

مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

واکاوی تطبیقی عناصر روایت در شعر کودکانه بر اساس الگوی پراپ (مطالعه موردی دو مجموعه «روستای من نعیریه» سلیمان عیسی و «ساعت بدون تیک تاک» مهدی مرادی)

✽ مهتاب دهقان^۱

رسول بلاوی^۲

سید ناصر جابری اردکانی^۳

چکیده

روایت و روایت‌شناسی از علوم نوپایی به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر مورد توجه محققان و ناقدان حوزه ادبیات قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این علم، محقق روسی، ولادیمیر پراپ است که الگوی روایت‌شناسی‌اش را در سال ۱۹۲۸ م با انتشار مجموعه ریخت‌شناسی قصه‌های پریان مطرح ساخت. سلیمان عیسی شاعر معاصر سوری و مهدی مرادی شاعر معاصر ایرانی، در آثار کودکانه خود به خوبی از شگردهای روایت بهره گرفته‌اند. دو مجموعه «روستای من نعیریه» و «ساعت بدون تیک تاک» از جمله آثار این دو شاعر است که کاربرد شگردهای روایت، به صورت تطبیقی در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش باهدف بررسی و کشف اشتراکات و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ، پس از ارائه مطالبی در زمینه روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ و گریزی کوتاه به زندگی دو شاعر، به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی شگردهای روایت در دو مجموعه مذکور پرداخته‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهد دو شاعر به خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب آشنایی دارند و با مهارتی که در سرودن شعر روایی کودک دارند، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: روایت‌شناسی، پراپ، سلیمان عیسی، مهدی مرادی، شعر روایی.

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر،

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

مقدمه

یکی از مهم‌ترین توانایی‌های ذهن بشر از دیرباز تاکنون داستان‌پردازی، قصه‌پردازی و به‌گونه‌ای روایت رویدادهای روزمره بوده و هست؛ تا جایی که حتی می‌توان برخورد لحظه‌ای سنگ‌ریزه‌ای به یک پنجره را نیز روایت کرد و آن را یک روایت دانست. روایت‌ها بیش از آنچه به ذهن می‌رسد در زندگی ما جریان دارند و حامل وقایعی هستند که غالباً بر زبان شخصی که راوی خوانده می‌شود جاری است. «روایت در ساده‌ترین بیان، فرآیندی است که طی آن نویسنده و یا یکی از شخصیت‌ها، داستان را از راوی به خواننده منتقل می‌کند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۱). این شاخه از نقد ادبی تا جایی پیش رفته است که به‌صورت یک علم درآمده و ادیبان و ناقدان بسیاری به بررسی و پژوهش درباره آن پرداخته‌اند. نخستین بار محقق فرمالیست روسی، ولادیمیر پراپ نظریه روایت را در اثر ارزشمندش **ریخت‌شناسی قصه پریان** به کار گرفت. او که پیشگام نظریه روایت به شمار می‌آید، هرچند نظریه‌اش با قدری تأخیر به دست پژوهشگران این عرصه رسید اما به‌سرعت مورد استقبال آنان قرار گرفت. پراپ روایت را در کتابش این‌گونه تعریف می‌کند: «متنی که تغییر وضعیت را از حالت پایدار به حالت ناپایدار و دوباره بازگشت آن را به حالت اولیه نشان می‌دهد» (پراپ، ۱۳۶۸: ۴۳). وی در الگوی روایت‌شناسی‌اش با در نظر گرفتن سی‌ویک کارکرد یا خویشکاری برای هفت نوع شخصیت مختلف، شناخت ساختار قصه‌های فولکلوریک را موضوع اصلی کار خود قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۴)؛ کارکردهایی که علاوه بر داستان، می‌توان آن‌ها را در قالب شعر نیز مورد بررسی قرار داد.

در ادبیات ملل مختلف، آثار روایی فراوانی، چه در قالب شعر و چه در قالب داستان، به چشم می‌خورد که بیانگر میل همیشگی طبع‌آزمایان عرصه ادبیات به این نوع شیوه نگارش است. در ادبیات معاصر عربی و فارسی نیز بسیاری از شاعران و نویسندگان، از شیوه روایتگری در آثار خود بهره برده‌اند. در میان شاعران جهان عرب، سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری از جمله شاعرانی است که به شعر روایی، به‌ویژه شعر روایی کودکانه، توجه ویژه نشان داده است. وی در مجموعه‌های شعری‌اش بیش از هر موضوع دیگری به شعر کودک و نوجوان پرداخته و به‌نوعی به اهمیت آن در رشد و تعالی نسل جدیدی که قهرمانان آینده جهان عرب خواهند بود، پی برده است. وی برای رسیدن به اهداف متعالی‌اش که می‌تواند نمایاندن چهره نیکوی انسانیت و حذف و طرد ظلم و ستم و جنگ از سراسر جهان باشد، از شیوه روایتگری استفاده نموده که یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم به ذهن کودک است. در ادبیات فارسی نیز چهره‌های فراوانی در زمینه شعر کودک و نوجوان طبع‌آزمایی کرده‌اند که شاعر جوان خطه خوزستان، مهدی مرادی، یکی از آن‌هاست. وی در آثارش همچون سلیمان عیسی، به‌خوبی از تکنیک‌های روایت بهره برده است و تکنیک‌هایی را که غالباً در نثر و داستان می‌توان مشاهده کرد، در شعر گنجانده است.

در پژوهش پیش‌رو ابتدا با ارائه تعاریف گوناگون روایت و نظریه‌های آن، گریزی کوتاه نیز به زندگینامه دو شاعر خواهیم داشت. سپس به تحلیل روایت‌شناختی دو مجموعه **روستای من نعیریه و ساعت بدون تیک تاک** خواهیم پرداخت و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ، تلاش خواهیم کرد مقایسه‌ای تطبیقی از شیوه روایت‌گری دو شاعر در دو مجموعه مورد نظر ارائه دهیم. موضوعی که می‌تواند مورد پسند و استفاده علاقه‌مندان حوزه ادبیات تطبیقی و نقد روایی، به‌ویژه نقد روایی ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. با توجه به اینکه هر شاعر و نویسنده‌ای شیوه خاص خود را در نگارش آثارش اتخاذ می‌کند، عیسی و مرادی نیز از شیوه روایتگری استفاده کرده‌اند که ما در این نوشتار در پی

بررسی چگونگی آن هستیم. هدف ما در این نوشتار، علاوه بر مقایسه تطبیقی شگردهای روایت در این دو مجموعه، بررسی و کشف اشتراکات و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر خواهد بود.

پرسش‌های تحقیق

بر اساس آنچه گفته شد، در این پژوهش درصددیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- گذشته از ویژگی‌های محتوایی، این دو اثر از نظر ویژگی‌های روایی چه اهمیتی دارند؟

- درون‌مایه‌های مورد نظر شاعران دو اثر کدام‌اند؟

و مهم‌تر از همه:

- دو شاعر تا چه حد در گنجاندن تکنیک‌های روایت در شعر موفق بوده‌اند؟

پیشینه تحقیق

در ادبیات فارسی و عربی و در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی و نقد روایی از علوم نوپای این حوزه به شمار می‌آیند. باین حال، در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است؛ و نویسندگان بسیاری به ترجمه و تألیف مقالات و کتب متعدد پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب «درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی» نوشته فتح‌الله بی‌نیاز (۱۳۸۷ ش)، اشاره کرد که در بخش نخست کتابش به مباحث مربوط به داستان‌نویسی پرداخته و در بخش دوم، روایت‌شناسی را مورد بحث و تحلیل قرار داده است. در فصل‌های پس‌از آن نیز به بررسی روایت‌های مدرن و پست‌مدرن پرداخته است. علی‌رضا ترکان (۱۳۹۴ ش) در کتابی با عنوان «روش‌شناسی تحلیل روایت» با ارائه تعاریف متعدد روایت از منظر روایت‌شناسان، روایت را در ارتباط با موضوعات مختلفی چون پزشکی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تصویر و... مورد بررسی قرار داده و پس‌از آن به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل روایت پرداخته است. در ادبیات عربی نیز تألیف‌های گوناگونی در این زمینه صورت گرفته که از آن میان می‌توان به «نظریه رمان (پژوهشی در تکنیک‌های روایت)» نوشته عبدالملک مرتاض (۱۹۹۸ م) اشاره کرد که در آن به بررسی رمان و ساختار روایت در رمان معاصر عربی و سپس به بررسی انواع و اشکال روایت و مسائلی از این قبیل پرداخته است. عبدالناصر هلال (۲۰۰۶ م) در کتابی با عنوان «ابزارهای روایت در شعر عربی معاصر» به بررسی راوی و انواع آن، روایت و گونه‌های مختلف روایت و مهم‌ترین عناصر آن پرداخته است.

در میان پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه شعر روایی و روایت‌شناسی بر اساس الگوی پراپ، می‌توان به «شگردهای روایت در شعرهای روایی مهدی اخوان ثالث» نوشته شادروی‌منش و راوکی (۱۳۹۱ ش) اشاره کرد که در آن با بررسی اشعار روایی اخوان و تحلیل عناصر روایت در اشعار وی به این نتیجه رسیده‌اند که کاربست شیوه روایتگری هرگز به جوهر شعر او لطمه نزده و بیش از آنکه شعر در خدمت عناصر داستان باشد، عناصر داستانی و روایی به خدمت شعر درآمده‌اند. رحیمی (۱۳۹۳ ش) در پژوهشی با عنوان «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر اساس نظریه پراپ» با استفاده از الگوی ریخت‌شناسی پراپ، به شناسایی نقش‌ها و نقش ویژه‌های داستان لیلی و مجنون جامی پرداخته است؛ سپس با بررسی توالی کارکردها در این مجموعه به این نتیجه رسیده است که توالی کارکردها محدود بوده و این داستان شامل یازده نقش و هفت نقش ویژه است؛ اما درباره شعر سلیمان عیسی و مهدی مرادی تاکنون پژوهش

قابل توجهی صورت نگرفته است. «ترکیب موسیقایی در شعر سلیمان عیسی (دیوان الجزایر به عنوان نمونه)» عنوان رساله‌ای است که در دانشگاه الحاج لخضر در الجزایر به قلم بوعلی مسعود (۲۰۱۲ م) به چاپ رسیده است. وی در این رساله به بررسی ساختار موسیقایی شعر عیسی در آثار غیر کودکانه وی پرداخته است. محمدی و اسمعیلی پور (۱۳۹۳ ش) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی روایت و عناصر داستانی در مجموعه کلاغ سه‌شنبه اثر مهدی مرادی» با برشمردن ویژگی‌های روایی اشعار مرادی و تحلیل آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که وی توانسته است با توجه به ویژگی‌های روانی نوجوان در انتخاب موضوع و درون‌مایه و با استفاده از تکنیک‌های رایج روایت، نوع ادبی شعر را به داستان نزدیک کند؛ اما آنچه ما در این مقاله بدان خواهیم پرداخت، بررسی تطبیقی اشعار دو شاعر از منظر نقد روایی و بر اساس الگوی روایت‌شناسی ولادیمیر پراپ است؛ موضوعی که تاکنون نویسندگان و پژوهشگران به‌طور ویژه و مستقل بدان نپرداخته‌اند.

۱. روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ

چنان‌که گفته شد، در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی از علوم نوظهور به شمار می‌آید و الهام گرفته از نظریات ساختارگرایان روس است. اصطلاح روایت‌شناسی، نخستین بار توسط تزوتان تودوروف در سال ۱۹۶۹ میلادی در کتاب **دستور زبان دکامرون** مطرح و بعدها علاوه بر حوزه ادبیات، در زمینه‌های تاریخی، مذهبی، روزنامه‌نگاری، سیاسی و... نیز به کار گرفته شد (مانفرد، ۲۰۱۱ م: ۵۱). برای روایت و روایت‌شناسی تعاریف متعددی ذکر شده است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی سیما داد آمده است:

روایت اصطلاحی عام است که برای هر آنچه قصه، داستان یا حکایتی را نقل می‌کند بکار می‌رود. در زبان انگلیسی نیز اصطلاح narrative به هر قسم روایتی که دارای حادثه، شخصیت و نقل‌گفتار و اعمال شخصیت‌ها باشد، خواه نظم یا نثر اطلاق می‌شود. بنا به این تعریف، روایت، طیف گسترده‌ای است که از یکسو انواع داستان‌ها و قصه‌های قدیمی را مثل حماسه و عشق‌نامه در بر می‌گیرد و از سوی دیگر انواع جدید ادبیات داستانی نظیر رمان (داد، ۱۳۹۲ ش: ۲۵۳).

و در تعریف روایت‌شناسی آمده است: «شعبه‌ای از رویکرد علمی نسبتاً نوینی که دغدغه اصلی آن شناسایی عناصر ساختاری و حالت‌های مختلف ترکیب این عناصر در روایت، شگردهای متکرر روایت و تحلیل انواع گفتمان در روایت است» (همان: ۲۵۴). روایت در ساده‌ترین تعریف، داستان و ماجرای است که در زمان و مکان مشخصی اتفاق می‌افتد و شخصی به‌عنوان راوی آن را به خواننده یا شنونده منتقل می‌کند.

اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیشینه روایت‌شناسی ساختارگرا، **ریخت‌شناسی قصه پریان**، اثر ارزشمند ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵-۱۹۷۰ م) است. کسی که «نخستین پژوهش نظام‌مند در بررسی روایت، با مطالعه صد روایت روسی از قصه‌های پریان، توسط او انجام شده است» (بهمنی، ۱۳۹۰ ش: ۵۶). وی در این کتاب با معرفی الگوی روایت‌شناسی‌اش و ارائه طرحی فراگیر، سی‌ویک کارکرد، نقش‌ویژه یا خویشکاری عنوان می‌کند؛ نقش‌ویژه‌هایی که با بررسی قصه‌های فولکلوریک روسی بدان پی برده است. خویشکاری، نقش‌ویژه، عملکرد یا کارکرد در الگوی روایت‌شناسی پراپ، عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که از نظر اهمیتی که در جریان قصه دارد، تعریف می‌شود. عملکردها در الگوی پراپ به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند که شمار عملکردهای اصلی ۳۱ است و عملکردهای فرعی از آن‌ها منشعب می‌شوند. او معتقد است با اینکه کنش و حرفه شخصیت‌ها در قصه‌ها تغییر می‌کند اما کارکرد آن‌ها همواره در

میان همان سی و یک مورد باقی می ماند و فراتر نمی رود. سپس با بررسی این کارکردها، شخصیت های قصه ها را به هفت دسته تقسیم می کند: ۱. شخص خیث (شورور) ۲. بخشنده (عطا کننده) ۳. یاریگر یا مدد رسان (دوستان و یاران قهرمان) ۴. شاهدخت و پدرش (شخص مورد جست وجو) ۵. پیام رسان (فرستنده که قهرمان را به مأموریتی می فرستد) ۶. قهرمان (جوینده یا قربانی) ۷. قهرمان دروغین (پراپ، ۱۹۹۶ م: ۹۷ و ۹۸). او با بررسی قصه ها بر اساس ویژگی های ساختاری و نه بر اساس موضوع، عناصر ثابت و متغیر برای آن ها در نظر می گیرد و به بررسی عناصری نظیر قهرمان، اعمال قهرمان، زمان، مکان و... می پردازد.

پس از پراپ بسیاری از نظریه پردازان روایت و ساختارگرایان از الگوی روایت شناسی وی برای پیشبرد نظریات شان سود جستند. نظریه پردازانی نظیر کلود برمون، رولان بارت، آژ. گرماس و ژرار ژنت از جمله افرادی هستند که پژوهش های آنان در زمینه روایت شناسی و تحلیل ساختاری، بیان گر تأثیرپذیری ایشان از الگوی پراپ است. رومن یاکوبسن، زبان شناس و نظریه پرداز روسی، با تأکید بر اهمیت کار پراپ، معتقد است «روایت شناسی به معنای دقیق واژه، با کتاب پراپ آغاز شده است» (احمدی، ۱۳۷۰ ش: ۱۴۷). بنابراین نگاهی گذرا به آثار این افراد که البته در این جا فرصت بررسی آن فراهم نیست، نه تنها اهمیت و اعتبار کار پراپ در پیشبرد نظریه های تحلیل ساختار را آشکار خواهد ساخت، بلکه کمک خواهد کرد تا بتوانیم تحلیل دقیق تری از به کارگیری تکنیک های روایت در شعر عیسی و مرادی به دست دهیم.

۲. سلیمان عیسی

سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری، سال ۱۹۲۱ میلادی در روستای نعیریه از توابع انطاکیه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در انطاکیه و تحصیلات متوسطه را در حما، لاذقیه و دمشق گذراند. حدوداً ده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد و در اولین مجموعه شعری اش که آن را در روستایش «نعیریه» سروده بود، از مشکلات کشاورزان و نگرانی های آنان سخن گفت (العیسی، ۲۰۱۳ م: ۱۷۹). از همان ابتدا با سرودن اشعار ملی گرایانه و استقلال طلبانه اش به مبارزه با استعمار فرانسه پرداخت. به دانشکده تربیت معلم بغداد رفت و پس از فارغ التحصیلی به عنوان معلم در مدارس حلب مشغول به کار شد. پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ م (نکسه حزیران)* به نوشتن شعر کودک روی آورد. سرانجام شاعر کودک سوری در سال ۲۰۱۳ م پس از تحمل یک دوره بیماری، در سن ۹۲ سالگی در دمشق سوریه درگذشت. وی در یکی از مصاحبه هایش درباره ورود خود به جهان ذهنی کودکان می گوید:

بعد از آن روز (شکست اعراب از اسرائیل) عرب از کابوس خود بیدار شد و از آن بلای نفسگیر رهایی یافت. من به کودکان عرب نگریستم. در چشمان آنها فردا و آینده امت عربی را دیدم و از خود پرسیدم آیا شایسته نیست که به سوی آنان بروم و از آنان بنویسم؟ (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲ ش: بخش فرهنگی).

چنان که ملکه ایض همسر سلیمان عیسی درباره او می نویسد، شعر وی پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ م به طور قابل توجهی تغییر یافت. از جمله اولین سروده های وی پس از این دوره، قصیده «کودکی ام را برایتان تعریف می کنم بچه ها (أحکی لکم طفولتی یا صغار)» و داستان «وائل در جستجوی وطن بزرگش (وائل ییحث عن وطنه الکبیر)» بود. این دو اثر که در مجموعه شعر و نثر وی **روستای من نعیریه** آمده است، حاوی اتفاقات و ماجراهایی است که خود شاعر در دوران کودکی اش از سر گذرانده است. به طور کلی مجموعه مذکور بازتاب زندگی شخصی شاعر است. این مجموعه شامل ۱۵

قصیده و ۱۴ داستان کوتاه است که در ادامه این پژوهش به بررسی اشعار آن از منظر نقد روایی خواهیم پرداخت.

۳. مهدی مرادی

مهدی مرادی، شاعر معاصر ایرانی است که اسفندماه سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. از وی تاکنون مجموعه‌های *بعضی از ما، رستن با ریشه‌های قالی و پوست دیگر نمی‌تواند مخفی‌ام کند* برای بزرگسالان و مجموعه‌های *کلاغ سه‌شنبه، آوازهای سیب‌زمینی و ساعت بدون تیک‌تاک* برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان منتشر شده است. مجموعه *کلاغ سه‌شنبه* وی در سال ۱۳۸۷ توانست برگزیده‌ی بیست و پنجمین دوره کتاب سال شود و نیز جایزه‌ی نخستین دوره گام اول و جایزه کتاب سال مجله‌های *سلام بچه‌ها* و *پوپک* را به دست بیاورد. از میان این آثار، مجموعه *ساعت بدون تیک‌تاک* از منظر نقد روایی در این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. این اثر که برای گروه سنی «ج» (پایان دوران کودکی و ورود به دوره نوجوانی) نوشته شده است، شامل ۱۶ شعر در قالب‌های مثنوی، چهارپاره، نیمایی و... است و عنوان دومین مجموعه شعری مهدی مرادی در شاخه ادبیات کودک و نوجوان است. *ساعت بدون تیک‌تاک* در سال ۱۳۹۰ ش به چاپ رسید و به‌عنوان اثر شایسته تقدیر هفدهمین دوره جشنواره کتاب فصل معرفی شد.

آنچه در ادامه، در دو دفتر شعری *ساعت بدون تیک‌تاک* و *روستای من نعیریه* مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، مجموعه‌ای از مهم‌ترین تکنیک‌های روایت نظیر درون‌مایه، شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، گفت‌وگو و سایر تکنیک‌ها با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ و دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌های مورد نظر او است که بررسی و مقایسه آن‌ها با هم با ارائه شاهد مثال‌های مناسب، می‌تواند تصویر روشن‌تری از آثار این دو شاعر و گرایش‌های آن‌ها در اختیار خواننده قرار دهد.

۴. درون‌مایه^۱ و مضمون

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان شعر و داستان، درون‌مایه آن است که در میان عناصر داستان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. «درون‌مایه را به‌عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند، به همین دلیل، درون‌مایه اثر، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (طاهری، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۸ به نقل از منفلوپی، ۱۹۹۱ م: ۱۷۴).

اشعار کودکان معمولاً درون‌مایه‌های علمی، آموزشی، اخلاقی، تربیتی و تخیلات کودکان دارند. درون‌مایه اشعار و داستان‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر و با توجه به شرایط آن جامعه و فکر غالب نویسندگان و شاعران آن جامعه می‌تواند متفاوت باشد. سلیمان عیسی غالباً درون‌مایه اشعار کودکان‌اش را از روزگار کودکی خویش وام می‌گیرد. موضوعی که با نگاهی به عناوین قصاید وی در دفتر شعری‌اش *روستای من نعیریه* به روشنی دیده می‌شود. «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، «کودکی من»، «خطاطی و خاطرات کودکی»، «کودکی‌ام بر کرانه رودخانه» و «مرگ دوست دوران کودکی» از جمله این عناوین هستند؛ اما اصلی‌ترین موضوعی که سلیمان عیسی در شعر کودکان‌اش بدان می‌پردازد، حماسه و مقاومت است. وی با توجه به وضعیت پیش آمده در سرزمین‌های عربی، در تلاش است با اشعاری

^۱. Theme

حماسی، روحیه مقاومت را در میان کودکان سرزمینش ایجاد کند. او در آغاز سرود «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، پس از آنکه با دوستان کوچکش / یاد و فراس گفت‌وگو می‌کند، رودخانه عاصی را یادآور می‌شود و سرزمینش سوریه را سرزمین وحدت و آزادگی معرفی می‌کند:

رودخانه عاصی / این کودک زیبای رهرو / در سوریه / سرزمین وحدت و آزادی / آبیاری می‌کند و روان به سوی شمال است / در راه، کودکان را می‌شناسد (العیسی، ۲۰۱۲ م: ۳۴).

رود نماد جنبش و حرکت است. عیسی از آنجا که مخاطبان شعرش کودکان هستند، رود عاصی را کودک معرفی می‌کند تا مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کند. کودکی زیبا که همواره در تلاش و تکاپو است. منزلگاه این کودک سرزمینی آزاد است و واحد که در آن به حرکت درآمده و با بقیه کودکان آشنا می‌شود. آزادی و آزادگی که یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های مورد نظر عیسی است، در این شعر به سرزمین نسبت داده شده؛ در نگاه دقیق‌تر مسئله‌ای که به یک سرزمین نسبت داده می‌شود، اغلب از ویژگی‌های مردمان آن سرزمین است، یا برای رسیدن به آن تلاش می‌شود.

وی پس از مقدماتی که با توصیف صحنه و فضاسازی‌های لازم همراه است و در بخش‌های آتی از آن سخن خواهیم راند، به معرفی کودک قصه (قهرمان) می‌پردازد و از آرزوها و رؤیاهایی که برای جهان عرب در سر دارد سخن می‌گوید: کوچک بود / کوچک بود / به سرعت با رؤیایها به پرواز درمی‌آمد / از این کودک عرب / که با انقلاب و افتخارات / رؤیای جهان عرب را در سر داشت / و از این کودک نشسته / در سایه سقف آجری / و از زمان کودکی تاکنون سرود می‌خواند / در شعرم با شما سخن خواهم گفت (همان، ۳۸).

عیسی قهرمان قصه را برای دوستان کوچکش، کودکی معرفی می‌کند که به دنبال کسب افتخار و بزرگی برای سرزمینش و البته جهان عرب است و رؤیای انقلاب جهان عرب علیه ظلم و ستم را در سر می‌پروراند. باین حال او کودکی است با احساسات کودکانه و همواره احساسات شاعرانه‌اش را به همراه دارد و در سایه خانه آجری‌شان سرود می‌خواند. سروده‌های عیسی در این مجموعه، از سویی با درون‌مایه‌های حماسی و مقاومتی نیاز کودکان عرب را به محرکی برای حرکت رو به جلو در عصر حاضر برطرف کرده و از سوی دیگر در لابه‌لای این مضامین حماسی، موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی را گنجانده است.

اما درون‌مایه سروده‌های مهدی مرادی در مجموعه **ساعت بدون تیک تاک** با درون‌مایه مورد نظر سلیمان عیسی قدری متفاوت است. زیرا هدفی که وی در پی آن مجموعه‌اش را به رشته تحریر درآورده، چیزی متفاوت از هدف عیسی است. مرادی در مجموعه‌اش بیش از هر چیز در پی درس‌های اخلاقی و گوشزد کردن نکات تربیتی است. او همواره در تلاش است تا سؤالی در ذهن کودک و نوجوانی که مخاطب شعر اوست ایجاد کند. وی در شعر «انار و لبخند» می‌نویسد:

ساعت بدون تیک تاک / یک لحظه از کار ایستاد / چاقو انار بسته را / با مهربانی چاک داد / مانند آتش سرخ بود / مانند آتش بیقرار / در قاب سرد لحظه‌ها / لبخند خونین انار. / (مرادی، ۱۳۹۰ ش: ۶).

مرادی مخاطبش را که در حال گذر از کودکی و آشنایی با مفاهیم جدید در دنیای نوجوانی است، با نمادهای گوناگون آشنا می‌کند. او را به فکر وامی‌دارد تا با خود بیندیشد چه رابطه‌ای می‌تواند میان چاقو، انار و مهربانی وجود داشته باشد؟! لبخند خونین نماد چیست؟ و بسیاری از این دست مفاهیم که در مجموعه مورد بررسی ساخته و پرداخته شده است.

۵. شخصیت^۱ و شخصیت‌پردازی

شخصیت یکی از مهم‌ترین عناصر روایت به شمار می‌آید. اساساً شخصیت‌ها در روند داستان، بخش جدانشدنی و همیشگی آن هستند که گاه از سوی راوی معرفی می‌شوند و گاه در جریان داستان به نوبت شناخته می‌شوند و مخاطب بسته به نوع شخصیت‌ها و برداشت شخصی خود، با آنها ارتباط برقرار می‌کند. گوستاو فلوربر رمان‌نویس قرن نوزدهم فرانسه، با نادیده انگاشتن راوی، معتقد است، اصل بر وجود شخصیت‌ها است و این شخصیت‌ها هستند که منظرهای متفاوتی از رخدادها به دست می‌دهند (ایرانی و همکاران، ۱۳۹۲ ش: ۲ به نقل از مکاریک، ۱۳۸۵ ش: ۱۵۰). به‌طور کلی شخصیت‌ها افراد و اشخاص موجود در داستان هستند که با اعمال و رفتارهایشان، در کنار سایر عناصر، داستان را به جریان می‌اندازند.

چنان‌که گفته شد پراپ در بررسی قصه‌های پریان هفت شخصیت و ۳۱ کارکرد یا خویشکاری را متذکر می‌شود که البته همه آنها را در هر داستانی مشاهده نمی‌کنیم؛ بلکه در برخی داستان‌ها ممکن است با دایره محدودتری از شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها مواجه باشیم.

در اشعار سلیمان عیسی، با توجه به مخاطب وی که گروه کودک را در بر می‌گیرد، شخصیت‌ها اغلب به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده‌اند که برای مخاطب زودیاب باشد. به عبارتی عیسی خلق شخصیت‌های جدیدی که کودک آن‌ها را تاکنون در اطراف خود ندیده است، فدای هدف اصلی نمی‌کند. او همواره در تلاش است شخصیت‌هایی را معرفی کند که با الگو گرفتن از آن‌ها، کودک بتواند آینده خود و میهنش را بسازد. به همین دلیل شخصیت‌های منفی را که پراپ در روایت‌شناسی‌اش به بررسی آن‌ها می‌پردازد، در شعر او به‌ندرت مشاهده می‌کنیم. در جدول زیر، بر اساس الگوی مورد نظر پراپ، شخصیت‌ها و خویشکاری‌های موجود در یکی از مهم‌ترین قصاید سلیمان عیسی، در مجموعه مورد بررسی، دسته‌بندی شده‌اند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. character

جدول شماره ۱

نام شعر	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
کودک (کودکی شاعر)	کودک (کودکی شاعر)	درخواست (تلاش برای یادگیری علوم گوناگون و حفظ اشعار)	قهرمان
رودخانه عاصی	پدر (شیخ احمد)	حرکت (انتقال از سرزمینی به سرزمین دیگر)	یاری‌گر
أحکی لکم طفولتی یا صغار (کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها)*	پیشگامان (رواد)	کار دشوار (آموختن علوم گوناگون به روستاییان)/انجام کار دشوار	قهرمان
	مادر	انجام کار دشوار	یاری‌گر
	کودکان روستا	مشوق (تشویق فرزندان به کار و یادگیری و در نهایت، پیروزی)	قهرمان
	تاریکی	هم‌بازی شدن با قهرمان (کودک) و تلاش در جهت یادگیری	یاری‌گر
	برادر	دشمنی با نور و روشنی	شورور
	دوستان شب‌بیدار	همکاری با قهرمان (کودک) در ساخت چادر تابستانی بر درخت توت	یاری‌گر
	غربت	همکاری و هم‌نشینی با قهرمان در شنیدن قصه‌های شبانه (سمار)	یاری‌گر
	سلمی	به وجود آورنده اندوه در دل قهرمان	شورور
	شکارچی کوچک	شخصیت اثرگذار در شادی قهرمان (کودک) و روی آوردن وی به شعر	یاری‌گر
	گنجشک	حرکت قهرمان قصه، سپس غیبت و دور شدن نشستن بر درخت و شکار شدن	قهرمان
	پسرعمو و پسردایی	شخص مورد جست‌وجو	شخص مورد جست‌وجو
	دزد و دشمن	شرکت در امر شکار گنجشک	یاری‌گر
	گاو قهوه‌ای	استعمار و دزدیدن آسمان و زمین ملت‌ها با همراهی قهرمان (کودک) به چرا رفتن	شورور
	فقرا	ساختن و آباد کردن همه چیز	یاری‌گر
			قهرمان

همانگونه که مشاهده می‌شود، در قصیده مورد بررسی، تعداد شخصیت‌ها ۱۷ مورد است که از هفت نوع شخصیت مورد نظر پراپ، بر چهار نوع آن منطبق است و این شخصیت‌ها جمعاً بیش از ۲۰ کارکرد دارند.

اما مهدی مرادی در اشعارش، از آنچه عیسی بدان می‌پردازد، فراتر رفته و شخصیت‌های پیشرفته‌تر و به عبارتی جدیدتر خلق کرده است. البته لازم به ذکر است که مخاطب شعر وی تنها کودکان نیستند؛ بلکه چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، مخاطب او، طبق طبقه‌بندی‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، گروه سنی ج است که به طور دقیق کودک است که در انتهای دوران کودکی قرار گرفته و در آستانه ورود به دوران نوجوانی است. به همین دلیل نیازمند یادگیری مفاهیمی تازه و فراتر از مفاهیم دوران کودکی و آمادگی برای درک مفاهیم انتزاعی است. از همین رو، مرادی در شعرش به خلق شخصیت‌هایی می‌پردازد که علاوه بر اینکه حامل یک پیام خاص است، جذاب و تازه نیز باشد تا مخاطب

به بهترین نحو با آن ارتباط برقرار کند. در جدول زیر تعدادی از این شخصیت‌ها دسته‌بندی شده‌اند:

جدول شماره ۲

نام شعر	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
انار و لبخند	انار چاقو	کشته شدن به وسیله چاقو تلاش برای از بین بردن انار (درگیری) و سپس موفقیت	قربانی شورور
خدای باران‌ها	خداوند زمین	فرستادن باران برای مخلوقات خشک و بی‌ثمر بودن و سپس سرسبز شدن به وسیله باران	قهرمان نیازمند
خوش به حال آسمان	آسمان ستاره و پرنده	ندادن اجاره به خانه‌های پایتخت (آزادگی) نیامدن به تراس خانه‌های پایتخت به دلیل وجود دود و غبار	قهرمان اشخاص مورد جست‌وجو
تند نوای شهاب	شهاب	آمدن از دوردست و آوردن شادی	قهرمان
قله خوشبخت	قله قله دیگر آسمان و خورشید و شهاب و ابرها و...	یاری گرفتن از سایر موجودات و اشیا برای خروج از تنهایی زدودن غم تنهایی از قله (اول) یاری دادن به قله برای شاد کردن او و خروجش از غم تنهایی	یاری گیرنده شخص مورد جست‌وجو یاری‌گر
جشن آشتی	خانم یگانه بچه‌های سوم الف	آشتی دادن بچه‌ها کف زدن و همراهی با جشن آشتی کنان	قهرمان یاری‌گر
جاده	جاده رهگذر	خسته شدن از تنهایی و گشتن به دنبال همراه و همسفر به تنهایی سفر کردن	درمانده شخص مورد جست‌وجو

در مجموعه‌ی مرادی نیز ۱۵ شخصیت وجود دارد که بر پنج نوع از شخصیت‌های مورد نظر پراپ، منطبق‌اند. این شخصیت‌ها قریب ۲۰ خویشکاری دارند که در جدول بالا، در جملاتی کوتاه به آن‌ها اشاره شده است. دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها در جدول‌های شماره ۱ و ۲، نشان می‌دهد خویشکاری‌های موجود در اشعار دو شاعر، از نظر نوع خویشکاری، از محدوده ۳۱ کارکرد مورد نظر پراپ فراتر رفته و دو شاعر با توجه به موضوع و درون‌مایه مورد نظر خود، کارکردهای متفاوتی برای شخصیت‌های آثارشان در نظر گرفته‌اند.

۶. راوی^۱ و زاویه دید^۲

در انواع روایت‌های موجود در ادبیات، راوی از عناصر جدانشدنی به شمار می‌آید. در اصطلاح ادبیات «به کسی (و گاه چیزی) که داستان را روایت می‌کند راوی می‌گویند. به سخن دیگر، راوی شخصیتی است که نویسنده، حوادث داستان را از زبان او نقل می‌کند» (داد، ۱۳۹۲ ش: ۲۲۹). هر گاه پس از خواندن یک داستان از خود بپرسیم «راوی این داستان چه کسی است؟»، با پاسخ به این سؤال، زاویه دید را مشخص کرده‌ایم. چراکه زاویه دید با راوی رابطه مستقیم دارد. زاویه دید در حقیقت در حکم دریچه‌ای است که نویسنده به روی مخاطب می‌گشاید تا از طریق آن حوادث موجود در داستان را نظاره‌گر باشد. (همان، ۱۳۹۲ ش: ۲۵۹). راوی اغلب بر دو گونه است. راوی اول‌شخص (راوی درون‌داستانی) که در حقیقت روایت‌گری است که خود، در جریان داستان قرار دارد و یکی از شخصیت‌های آن است؛ و راوی سوم‌شخص (راوی برون‌داستانی) یا دانای کل که از بیرون به داستان می‌نگرد و نسبت به وقایع داستان آگاهی کامل دارد. سلیمان عیسی در مجموعه‌اش **روستای من تعبیریه**، از راوی اول‌شخص استفاده می‌کند و غالباً داستان از زبان خود او حکایت می‌شود. تنها در یکی از اشعار این مجموعه رگه‌هایی از وجود دانای کل به چشم می‌خورد که در حقیقت به کمک راوی اول‌شخص آمده است:

شاعر با صدایی آرام و دلپذیر می‌خواند... کودکان برخی قسمت‌ها را با او تکرار می‌کنند... (سوم‌شخص) / در محله کوچک / در خانه آجری ما / پدرم زندگی می‌کرد و با روزگار می‌جنگید بچه‌ها / مهربان و ملایم بود / چون نسیم تابستان / چون شعر... (اول‌شخص) (العیسی، ۲۰۱۲ م: ۴۰).

در این بخش شاعر ابتدا با راوی سوم‌شخص آغاز می‌کند، سپس در ادامه، راوی اول‌شخص به میدان می‌آید و ادامه ماجرا از زبان او نقل می‌شود که در واقع قهرمان داستان است و به توصیف مکان و ویژگی‌های شخصیت مورد نظر می‌پردازد. بدین ترتیب زاویه‌دید راوی، عینی و جسمانی است، از این رو آنچه از ظاهر شخصیت‌ها در ارتباط با زمان و مکان قصه می‌بیند روایت می‌کند.

هر نویسنده با توجه به هدفی که در اثر خود دنبال می‌کند، راوی مورد نظرش را برمی‌گزیند. علاوه بر راوی اول و سوم‌شخص که در اغلب آثار به کار گرفته می‌شوند، راوی دوم‌شخص نیز تا حدودی کاربرد دارد. «راوی گاه می‌تواند صدایی از درون قهرمان داستان باشد که با او حرف می‌زند و داستان را روایت می‌کند» (رضایی، ۱۳۹۱ ش: ۷۲). مرادی در سرودن اشعارش ۱۱ بار از راوی اول‌شخص، ۲ بار دوم‌شخص و ۳ بار از راوی سوم‌شخص استفاده کرده است: برگ و بار می‌گیرم / از سخاوتش حالا / من زمین سرسبز / او خدای باران‌ها (اول‌شخص) (مرادی، ۱۳۹۱ ش: ۱۱). در جای دیگر می‌سراید:

برو تا تماشای صبح / و اینجا نمان گوشه گیر / از احوال باران پیرس / سراغ افق را بگیر (دوم‌شخص) (همان، ۲۱).
و در سرود «انار و لبخند» این گونه می‌نویسد:

چرخید در چشم انار / تصویری از چاقوی تیز / در انتظاری سرخ بود / بشقاب خالی روی میز (سوم‌شخص) (همان،

۶).

مرادی دو زاویه‌دید عینی و ذهنی را به هم آمیخته است. وی علاوه بر تصویر فضای ظاهری قصه، به آنچه در ذهن

^۱ Narrator

^۲ Point of view

شخصیت‌ها، نظیر انتظاری که بشقاب خالی روی میز می‌کشد، نیز می‌پردازد.

چنان‌که مشاهده شد، دو شاعر، راوی اول شخص را بیش از دو گونه دیگر به کار گرفته‌اند. زیرا این نوع راوی، صرف‌نظر از محدودیت‌هایی که دارد، نظیر عدم اطلاع از تمامی وقایع و افکار شخصیت‌های موجود در روایت، برای همراه کردن کودک با جریان داستان مناسب‌تر به نظر می‌رسد و باعث می‌شود پذیرش حوادث موجود در داستان برای وی ساده‌تر باشد.

۷. صحنه‌پردازی

یکی دیگر از عناصر مهم روایت، صحنه است. اینکه روایت در چه موقعیت مکانی یا زمانی در حال رخ دادن است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. صحنه در هر روایت نسبت به روایت دیگر متفاوت بوده و نویسنده با توجه به فضایی که موضوع روایت مورد نظرش می‌طلبد، آن را انتخاب می‌کند. در روایت‌شناسی پراپ، صحنه آغازین به‌عنوان اولین کارکرد یا خویشکاری مطرح می‌شود. با این حال، خود پراپ معتقد است صحنه آغازین جزء خویشکاری‌های اصلی نیست اما از عناصر مهم در ریخت‌شناسی به‌شمار می‌آید.

روایت‌های شعری سلیمان عیسی در سوریه، در روستایش نعیریه و در دوران کودکی شاعر اتفاق می‌افتد. وی در اشعارش غالباً پیش از آغاز کلام، مکان وقوع ماجراها را مشخص می‌کند. «خانه ما کنار رود عاصی»، «چادر تابستانه‌ام در دل درخت توت»، «جولانگاه کودکی مان در روستا» و «کودکی‌ام بر کرانه رودخانه» از جمله عناوینی هستند که شاعر با استفاده از آن‌ها مکان وقوع رویدادهایی که از آن‌ها سخن خواهد گفت را مشخص می‌کند. وی در قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها» علاوه بر سخن گفتن از شخصیت‌ها و اعمال آن‌ها، به صحنه‌پردازی پرداخته و صحنه وقوع حوادث را برای مخاطب توصیف می‌کند:

خانه‌ام نزدیک سرچشمه رود عاصی است / همسایه‌اش گام‌های عاصی است / صبح و عصر صدای گام‌های عاصی را می‌شنود / و بدون زحمت می‌شناسدشان / (عاصی) بهترین‌ها را به من یاد داده /... / خانه‌ام سقفی از آجر است / سرخ‌رنگ همچون بال عید / خانه‌ای از جنس سنگ‌های گلی / که آن را پس از سختی بسیار ساختم /... / میان خانه و عاصی / کودکی بود بچه‌ها (العیسی، ۲۰۱۲، م: ۳۵ تا ۳۶).

صحنه‌ای که عیسی به تصویر می‌کشد، خانه‌ای است با آجرهای گلی قرمز، رودخانه‌ای خروشان و کودکی که در آن حوالی مشغول بازی است. صحنه‌ای که هرچند شاعر آن را با کلمات و جملات ساده و کوتاه توصیف کرده است، اما توانسته مصالح مورد نیاز برای درک صحنه مورد نظر در اختیار مخاطب کوچکش قرار دهد.

اما روایت‌های شعری مرادی برخلاف عیسی، در زمان حال اتفاق می‌افتد و مکان‌های متفاوتی را در برمی‌گیرد. تراس آپارتمان، آسمان، قلّه کوه، جایی روی یک میز و... همگی مکان‌هایی هستند که مرادی به کمک آن‌ها به ساختن و پرداختن روایت‌های شعری‌اش می‌پردازد. هرچند برخی از صحنه‌هایی که مرادی در اشعارش به وجود آورده برای مخاطبی که در دوران شادی و نشاط قرار دارد، قدری غمناک به نظر می‌رسد، اما توانسته است با استفاده از تکنیک‌های داستان‌نویسی، در مدت زمان کوتاهی صحنه‌هایی بیافریند که در عین غمگین بودن، برای مخاطب، جذاب و در دسترس بوده و در نتیجه بتواند با آن ارتباط برقرار کند. چنان‌که در شعر «انار و لبخند»، صحنه جدال چاقو و اناری تصویر می‌شود که بر میزی اتفاق می‌افتد و بشقابی خالی انتظار ریخته شدن خون انار را می‌کشد، درحالی‌که از شدت اندوه، زمان

ایستاده است! یا در شعر «خوش به حال آسمان» صحنه تراس تنگ و کوچک آپارتمانی در پایتخت تصویر می‌شود که غبار بر آن نشسته و بدون باغچه و درخت، تنها یک بند رخت در آن به چشم می‌خورد:

نه توی این تراس زشت	غبارهای پایتخت	از این طرف به آن طرف
ستاره دیده می‌شود	نشسته روی خانه‌ها	کشیده‌اند بند رخت
نه چه‌چه پرنده‌ای	نمی‌شود نگاه کرد	نه سبزه‌ای نه سنبلی
در آن شنیده می‌شود	به دوردست‌ها چرا؟	نه باغچه نه یک درخت

(مرادی، ۱۳۹۱، ش، ۱۴)

چنان که مشاهده می‌شود، صحنه وقوع روایت، تراس یک آپارتمان است که راوی از آن‌جا نظاره‌گر آسمان و بقیه نقاط پایتخت می‌شود و از همانجا به توصیف محیط اطراف خود می‌پردازد.

بر این اساس صحنه و صحنه‌پردازی، در شعر دو شاعر، از اهمیت فراوانی برخوردار است و هر یک با توجه به هدفی که در پی آن هستند، صحنه را برای روایت مورد نظر خود آماده می‌کنند. موضوعی که از مؤثرترین عوامل در پذیرش روایت از سوی مخاطب و همراهی با آن به شمار می‌آید.

۸. گفت‌وگو^۱

گفت‌وگو به معنای صحبت کردن و ردوبدل کردن افکار، همواره در آثار منظوم و منثور وجود داشته است. گفت‌وگو گاه میان شخصیت‌های اثر و گاه در ذهن یک شخصیت، اتفاق می‌افتد. «گفت‌وگو در داستان، یکی از عناصر مهم و یا به عبارتی همسنگ ارزش توصیف است، زیرا سبب می‌شود، پیرنگ گسترش یابد، درون‌مایه ظاهر شود، شخصیت‌ها معرفی شوند و عمل داستان پیش برود» (داد، ۱۳۹۲، ش: ۲۰۶). این عنصر نیرومند و بنیادین ادبیات داستانی که همسو و هم‌جهت با ساختار روایی داستان عمل می‌کند، ویژگی‌هایی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به طبیعی بودن یا به عبارتی عدم پیچیدگی و محسوس و عینی بودن اشاره کرد. گفت‌وگو انواع و اقسامی دارد که عبارتند از: ۱. دیالوگ یا گفت‌وگوی دو یا چند نفره ۲. مونولوگ یا خودگویی و تک‌گویی درونی ۳. گفت‌وگو در گفت‌وگو (دودانگه و گرجی، ۱۳۹۰، ش: ۲۴).

عیسی در مجموعه شعری‌اش، گاه با اشخاص داستان و گاه با خودش به گفت‌وگو می‌پردازد. گفت‌وگوهای موجود در اشعار وی اغلب رنگ و بوی نمایشنامه‌ای دارند. در قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها» پیش از آغاز سرود، با دوستانش، ایاد، فراس، دیمه و بقیه کودکان به گفت‌وگو می‌نشیند:

– ایاد کوچولو: قول دادی برایمان آواز بخوانی، کودکی‌ات را با سرود برایمان تعریف کنی – شاعر: من سر قولم هستم ایاد که با هم آواز بخوانیم... من و تو دیمه و صفوان و دوستانت که دوست دارند با ما آواز بخوانند – فراس: چرا اسم مرا فراموش کردی؟ من هم شعر دوست دارم و دلم می‌خواهد با شما آواز بخوانم – شاعر: اسم تو را فراموش نکردم فراس... (العیسی، ۲۰۱۲، م: ۳۳).

گفت‌وگوی بالا از نوع دیالوگ یا گفت‌وگوی چند نفره است که مخاطب با خواندن آن، در جریان آنچه در داستان روی خواهد داد، قرار می‌گیرد. این نوع گفت‌وگو که معمولاً پیش از شروع داستان و میان راوی اول شخص و سایر

^۱. Dialogue

شخصیت‌ها صورت می‌گیرد، در بیشتر اشعار عیسی دیده می‌شود.

گاه شاعر برای لحظاتی در اعماق خاطرات کودکی‌اش غرق می‌شود و از درون، با خود به گفت‌وگو می‌نشیند:
 - عشقی زود هنگام / سخنم درباره آن به درازا می‌انجامد / تاب هنوز آرام نگرفته است / ای نغمه‌های من ... شما چرا آرام بگیری؟ / دهانم آکنده از ترانه سلمی است / و دستانش دو گل نرگس اند / آویخته به دستان من / ای آرزوی گلگون کودکی / دنیا را در چشمانم بریز / شعر را و ترانه را / تا سلمی راضی شود و افتخار کنم / که من چیزی به او ارزانی داشته‌ام (همان، ۶۶).

این گفت‌وگو هر چند رنگ و بوی دیالوگ نیز دارد، اما از نوع مونولوگ یا تک‌گویی به شمار می‌آید و به ندرت در شعر عیسی به چشم می‌خورد. چنان‌که پیش‌تر نیز بر آن تأکید شد، مخاطبان عیسی در این مجموعه، کودکان هستند؛ او برای بیان مقصود و هدفش نیازمند گفت‌وگوی مستقیم با شخصیت‌هایی است که یا از جنس کودکان بوده و یا برای آن‌ها قابل لمس باشد. به همین سبب بیشتر گفت‌وگوها به صورت دیالوگ آمده‌اند.

مرادی نیز همچون عیسی از گفت‌وگو در جریان حکایت‌های شعری‌اش بهره می‌گیرد. در شعر او نیز، گفت‌وگو گاه میان شخصیت‌ها و گاه در درون شخصیت اصلی اتفاق می‌افتد:

دیالوگ: می‌رسی از دور دست / می‌گذری پرشتاب / می‌شنوی؟ صبر کن / تند نو ای شهاب (مرادی، ۱۳۹۱ ش: ۱۶).
 مونولوگ: دلم گرفته است، سخت / چرا / به گوش هیچ کس نمی‌رسد / صدای فکرهای یک درخت (همان، ۲۷).
 گفت‌وگوهای موجود در اشعار عیسی اغلب میان راوی (که همان قهرمان داستان است) و سایر شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد؛ در حالی که گفت‌وگوهای اشعار مرادی، هم به صورت دیالوگ و هم به صورت مونولوگ دیده می‌شود. گاه در درون شخصیت اصلی و گاه این ارتباط کلامی میان بقیه شخصیت‌ها برقرار می‌شود. بدین ترتیب، عنصر گفت‌وگو در شعر عیسی دایره محدودتری نسبت به گفت‌وگوهای شعر مرادی دارد.

۹. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دو اثر *روستای من* *نعیریه* و *ساعت بدون تیک تاک* از جمله آثار مهم در زمینه ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌آیند که از لحاظ ویژگی‌های روایی بیانگر مهارت نویسندگان این دو اثر در سرودن شعر روایی کودک می‌باشند. دو شاعر به‌خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب آشنایی دارند و تفاوت‌های روایت بزرگسال با روایت کودکان را به‌خوبی تشخیص داده‌اند. درون‌مایه‌های مورد نظر نویسندگان مفاهیمی نظیر آزادی و آزادگی، مقاومت، پایداری و موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی است که در شعر هر کدام با دیدی متفاوت، بسته به نیاز کودک در جامعه مورد نظر، به کار رفته است. اما از لحاظ به‌کارگیری شگردهای روایت، با توجه به الگوی ریخت‌شناسی پراپ، در این دو اثر، می‌توان گفت عملکرد نویسندگان، اگرچه با کیفیتی متفاوت، اما تا حد وسیعی موفقیت‌آمیز بوده است. آن‌ها با انتخاب درون‌مایه مناسب، پردازش شخصیت‌های مناسب و تأثیرگذار بر ذهن کودک، طرح خویشتن‌کاری‌های مناسب برای هر کدام از شخصیت‌ها، پردازش صحنه‌های زیبا و جذاب برای کودک و به‌طور کلی ایجاد ساختاری ساده و نظام‌مند با استفاده از مجموعه تکنیک‌های روایت، توانسته‌اند این تکنیک‌ها را به خدمت شعر درآورده و از فرورفتن در پیچیدگی‌های معمول در امان بمانند و به عبارتی، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

۱۰. پی‌نوشت

- * شکست ۱۹۶۷ م (نکسه حزیران): جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ م نبردی بود که از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ م میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن رخ داد و با پیروزی اسرائیل به پایان رسید. این نبرد نقطه اوج بحرانی بود که از تاریخ ۱۵ مه تا ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ م به درازا انجامید و در آن اسرائیل با شکست ارتش چند کشور عربی قسمتی از خاک آنها را تصرف کرد.
- * جدول شماره ۱: انواع شخصیت‌های موجود در این قصیده به تفکیک و بر اساس ده قسمت جداگانه آن نوشته شده‌اند.

۱.۱ فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. جلد اول. چاپ اول. کرج: مرکز.
- ایرانی، محمد و همکاران. (۱۳۹۲). «شیوه شخصیت‌پردازی دووجهی در پیکر فرهاد عباس معروفی». *مجله ادبیات پارسی معاصر*. سال سوم. شماره ۴. صص ۱-۱۸.
- بهمنی، مهرزاد. (۱۳۹۰). *تحلیل روایت و کاربرد آن در رسانه*. چاپ اول. تهران: مرکز تحقیقات.
- پراپ، ولودیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ اول. تهران: توس.
- _____ (۱۹۹۶). *مورفولوجیا القصه*. ترجمه عبدالکریم حسن و سمیره بن عمّو. چاپ اول. دمشق: دار شراع.
- داد، سیما. (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ ششم. تهران: مروارید.
- دودانگه، محرم‌علی و گرجی، مصطفی. (۱۳۹۰). «گفت‌وگو در خمسه نظامی با تأکید بر مثنوی‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». *مجله کتاب ماه ادبیات*. سال پنجم. شماره ۵۳. صص ۲۱-۳۵.
- رضایی، لیلان. (۱۳۹۱). «بررسی نقش و کارکرد راوی اول‌شخص در شعر روایی کودک (گروه سنی الف)». *مجله مطالعات ادبیات کودک شیراز*. سال سوم. شماره ۷۲-۸۶.
- طاهری، حمید و غفوریان، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی عناصر داستان حجاب منفلوطی و رجل سیاسی جمال‌زاده». *فصلنامه لسان مبین*. سال ششم. شماره ۲۰. صص ۱۱۶-۱۳۷.
- عبدی، صلاح‌الدین و همکاران. (۱۳۹۳). «روایت‌شناسی رمان عمارت یعقوبیان اثر علاء‌الأسوانی بر اساس نظریه روایتی ژرار ژنت». *فصلنامه لسان مبین*. سال ششم. شماره ۱۷. صص ۹۱-۱۰۸.
- العیسی، سلیمان. (۲۰۱۲). *النعبیریة قریتی*. چاپ اول. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- العیسی، سلیمان و أبیض، ملکه. (۲۰۱۳). *رحلة کفاح*. چاپ اول. دمشق: دار الحافظ.
- مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). *ساعت بدون تیک‌تاک*. چاپ دوم. تهران: کتاب‌های شکوفه وابسته به نشر امیرکبیر.
- مانفرد، یان. (۲۰۱۱). *علم السرد (مدخل إلى نظریة السرد)*. ترجمه آمانی أبورحمه. چاپ اول. سوریه: نینوی.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۲). *بخش فرهنگی*. ۹۵/۵/۲۰.

A Comparative Study Investigate of Narrative Teqhniques in childish poetry on Propp's Narrative Theory (example in My Village Naeirieh by Soleyman Isa and The Clock without Tik Tak by Mehdi Moradi based)

Abstract

Narratology is one of the new fields attentioned by literature criticizers and researchers in recent decades. Veladimir Propp, the Russian theorist, as one of the most important narratology theorist has presented his narrative patterns with publishing his famous book, Morphology of the Folktale, in 1928. Soleyman Isa and Mehdi Moradi, Syrian and Iranian contemporary poets, in their books, My Village Naeirieh and The Clock without Tik Tak, are employed some narrative techniques effectively. This study aims to investigate comparstively the use narrative techniques in previously mentionening books. This article attempts to consider the narrarive twchniques in mentioned books with regard to Propp's narratology theory based upon a descriptive-analytic method. The study also takes a brief look to the biography of poets and then provide some materials reked to narration and Propp's narratolgy theory. Study shows that the poets are familiar with the perseption of their addressees and know how to dedicate narrative techniques to poetry, because of their ability to poetry writing.

Key words: Narratology, Propp, Soleyman Isa, Mehdi Moradi, narrative poetry.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی